

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

مانتلی ریویو  
توسط برنارد دیملو  
برگردان: جنوب جهانی  
فرستنده: علی مشرف  
۰۲ اکتوبر ۲۰۲۴

## هند نیمه امپریالیستی در چرخش ضد چینی و اشنگتن بخش دوم



### اقتصاد سیاسی نیمه امپریالیسم هند

با الهام از روی ماورو مارینی، اندیشمند و فعال مارکسیست برزیلی و درک او از وابستگی، من وابستگی برای هند را به عنوان یک رابطه ساختاری از تبعیت دولت (و سرمایه‌داری بزرگ هند) در دوره پس از استقلال تحت دولت (و طبقه سرمایه‌داری انحصاری) ایالات متحده و سایر کشورهای سرمایه‌داری انحصاری در نظر می‌گیرم. این اتفاق در چارچوبی رخ می‌دهد که در آن ترکیب اشکال استثمار بیش از حد در روابط تولید در هند در طول زمان به طور قابل توجهی تغییر کرده است تا تولید مثل گسترده این رابطه تبعیت را تضمین کند. سه شکل استثمار بیش از حد در روابط تولید عبارتند از: ارزش مازاد ناشی از پائین‌تر بودن دستمزد واقعی از ارزش نیروی کار، ارزش مازاد ناشی از طولانی شدن قابل توجه ساعات کار بدون دستمزد مناسب و ارزش مازاد ناشی از افزایش بهره‌وری کار (از طریق توسل سیستماتیک به واردات فناوری‌های سرمایه محورتر) در ترکیب با شدت بخشیدن به کار. بخش‌های مختلف سیستم تولید هند عبارتند از: تولید خانگی و معیشتی، تولید کالاهای کوچک، تولید سرمایه کوچک و متوسط هند و وابسته، تولید سرمایه بزرگ هند و وابسته، تولید سرمایه بزرگ هند نسبتاً کمتر وابسته و سرمایه چندملیتی

بیشرو. این ساختار تولید عمدتاً به این واقعیت تاریخی برمی‌گردد که هند هنوز مرحله سرمایه‌داری رقابتی را پشت سر نگذاشته است. علاوه بر این، این ساختار تولید نابرابر و متفرق که با استثمار بیش از حد مشخص می‌شود، با انتقال ارزش مشخص می‌شود که در جریان رو به بالای خود از نظر درجه سلسله مراتب انحصاری/انحصاری در داخل اقتصاد و به سمت مرکز امپریالیستی جهانی به طور نابرابر توزیع می‌شود. استثمار بیش از حد با این استدلال توجیه می‌شود که سرمایه‌های وابسته از جمله سرمایه بزرگ هند، برای جبران ضرر ارزش و ارزش مازاد متحمل شده توسط آن‌ها ضروری می‌دانند. یا به عبارت دیگر: از دست دادن ارزش سرمایه هند به سرمایه بین‌المللی در چارچوب فرآیند تبادل نابرابر، ناشی از استثمار بیش از حد طبقات پائین‌تر درآمدی جمعیت هند است.

در طول زمان، وزن نسبی ارزش مازاد ناشی از بهروری بالای کار با شدت بخشیدن به کار در روابط تولید استثماری بیش از حد افزایش می‌یابد. بخشی از محصول مازاد/ارزش مازاد نیز به سرمایه بزرگ هند و سرمایه چندملیتی می‌رسد و به سمت مرکز امپریالیستی جهانی هدایت می‌شود. اگرچه این تغییرات برای تولید مثل گسترده وابستگی ضروری بود، اما آن‌ها همچنین باعث انتقال از توسعه محیطی به توسعه نیمه‌محیطی می‌شوند. دومی که به طور خوش‌بینانه «توسعه وابسته» نامیده می‌شود، به این معنی است که ادغام کشور در سیستم سرمایه‌داری جهانی در پی توسعه سرمایه‌داری ملی تغییر می‌کند. با این حال، برای تولید گسترده روابط وابستگی و «توسعه وابسته»، شرایط اضافی مورد نیاز است.

### کارگران هند و ساختارهای تولید

«کارگران» در هند در تولید خانگی و معیشتی، تولید کالاهای کوچک، تولید مبتنی بر تبعیت رسمی نیروی کار از سرمایه و تولید مبتنی بر تبعیت واقعی نیروی کار از سرمایه فعالیت می‌کنند. آن‌ها به طور جمعی توده عظیمی از انسان‌ها را تشکیل می‌دهند که «شرایط زندگی [و کار] آن‌ها کانون تمام شرایط [غیرانسانی] در جامعه مدرن [هند] است». این اکثریت عظیم و بهره‌کشی شده در هند شامل جوامع دالیت و قبایل تحت ستم اجتماعی در پایه آن نیز می‌شود. سطح زندگی نسبی اکثریت بهره‌کشی شده بهبود قابل توجهی نداشته است. دلیل اصلی این امر این است که تغییر در ساختار تولید با تغییر مشابهی در ساختار شغلی نیروی کار همراه نبوده است و با گشودگی نسبی بیشتر اقتصاد هند به تجارت بین‌المللی، سرمایه‌گذاری و امور مالی از دهه ۱۹۹۰، این وضعیت ساختاری بدتر نیز می‌شود. تولید خانگی و معیشتی، تولید کالاهای کوچک و تولید مبتنی بر تبعیت رسمی کار از سرمایه، اشکال تولید فرعی در سرمایه‌داری هستند. سرمایه‌داری بزرگی که تبعیت واقعی کار را انجام می‌دهد، از این شرایط برای نفی سود بالقوه کار که در قانون کار به صورت نهادینه شده است، استفاده می‌کند. یک ارتش ذخیره بزرگ از نیروی کار نسبت به ارتش فعال کارگران مزدبگیر، کالاها و خدمات نسبتاً ارزان برای مصرف کارگران که توسط اشکال تولید فرعی تولید می‌شوند، و توسل به واگذاری کارهای فرعی به سرمایه فرعی، امکان پرداخت دستمزدهای نقدی پائین را فراهم می‌کند که به نفع سرمایه‌داری بزرگ است که ارزش مازاد را از طریق تبعیت واقعی کار استخراج می‌کند. همه اینها با بی‌توجهی به قوانین حداقل دستمزد، شرایط کار و سهم بیمه اجتماعی انجام می‌شود.

کار خانگی بدون دستمزد، تولید معیشتی/کالاهای کوچک و تولیدی که بر اساس تبعیت رسمی کار از سرمایه استوار است، پایه و اساس آن را فراهم می‌کند که سرمایه‌داری بزرگ هند و شرکت‌های تابعه چندملیتی از طریق ترکیبی از فناوری‌های قرن بیستم و یکم و شیوه‌های کاری قرن نوزدهم، سود فوق‌العاده‌ای کسب کنند. اما البته چنین

سودهای فوق‌العاده‌ای نیز از طریق تصاحب آخرین بخش از انتقال ارزش، از جمله انتقال‌های «ارزش» پنهان از کار تولید مثل، کار خانگی و معیشتی بدون دستمزد حاصل می‌شود.

برای مارینی، نیمه‌امپریالیسم «دو مؤلفه اساسی را شامل می‌شود: از یک سو، یک ترکیب آلی متوسط از سیستم‌های تولید ملی در مقیاس جهانی و از سوی دیگر، اعمال یک سیاست انبساط نسبتاً خودمختار که نه تنها با یکپارچگی بیشتر در سیستم تولید امپریالیستی همراه است، بلکه در چارچوب هژمونی اعمال شده توسط امپریالیسم در صحنه بین‌المللی نیز حفظ می‌شود.» یک قدرت نیمه‌امپریالیستی قادر به غلبه بر ساختار وابستگی – وابستگی فناوری و واردات، به ویژه در تولید کالاهای سرمایه‌ای، کالاهای مصرفی سرمایه‌داری و تجهیزات نظامی پیشرفته نیست. شرکت‌های بزرگ هندی نمی‌توانند از وابستگی به شرکت‌های چندملیتی مرکز، هم در داخل هند و هم در جایی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش تولید بسیار مدرن انجام می‌دهند، صرف نظر کنند.

### تغییرات در قوانین کار و دشواری‌های اقتصادی هند

درک این ویژگی‌های سیاسی و اقتصادی کلیدی نیمه‌امپریالیسم نشان می‌دهد که چرا دولت مودی مجبور شد قوانین کار را تصویب کند (که هنوز باید تصویب شود) تا قوانین کار هند را جایگزین کند و در نتیجه استثمار بیش از حد کسانی را که ارزش افزوده و محصول مازاد تولید می‌کنند، نهادینه کند. نکته مهم این است که قوانین کار همچنین شدت بخشیدن به کار در کارخانه‌هایی مانند ماروتی سوزوکی هند، شرکت تابعه سوزوکی موتور کورپوریشن را که از فناوری‌های با بهره‌وری بالایی کار استفاده می‌کنند، مشروطیت می‌بخشد.

با این حال، با وجود استثمار بیش از حد نیروی کار هندی، وابستگی فناوری و عدم رقابت‌پذیری بین‌المللی بخش تولید در مقایسه با اقتصادهای شرق و جنوب شرقی آسیا، هند را مجبور کرده است تا از مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای آسیا-اقیانوس آرام (RCEP) خارج شود. هند از RCEP خارج شد زیرا بخش تولید آن قادر نبود در برابر رقابت وارداتی ناشی از اجرای توافقنامه‌های تجارت آزاد که قبلاً با کشورهای عضو انجمن ملل آسیای جنوب شرقی (ASEAN) و همچنین جاپان و کوریای جنوبی منعقد کرده بود، مقاومت کند.

مهم‌ترین تغییر ساختاری از دهه ۱۹۸۰ ظهور یک مجتمع مالی نسبتاً مستقل بوده است که بر اقتصاد واقعی جهانی و واحدهای ملی آن حاکم است و ساختار و رفتار این اقتصادهای واقعی و شرکت‌های موجود در آن‌ها را بشدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. از زمان جهانی‌شدن بازارهای مالی هند در دهه اول قرن بیست و یکم، سیستم‌های تولید ملی از جمله هند، شاهد جداسازی تدریجی بوده‌اند. در تولید کالاهای مصرفی و سرمایه‌های سرمایه‌داری، سهم ارزش افزوده داخلی در ارزش تولید نسبت به گذشته کمتر است. با توجه به مشکل ساختاری تقاضای مؤثر که با دنبال کردن یک ستراتیژی رشد خصوصی مبتنی بر سرمایه‌گذاری همراه است و با نابرابری شدید، خود تحمیل محدودیت‌ها برای هزینه‌های کسری برای اهداف مدنی و تقاضای مصرفی جمعی را کد تشدید می‌شود، اهمیت تولید کالاهای مصرفی «سرمایه‌داری»، تولید نظامی، انرژی هسته‌ای، برنامه تسلیحات هسته‌ای و صادرات برجسته شده است.

سیستم‌های تولید ملی، از جمله هند، شاهد کاهش تدریجی بوده‌اند. در تولید کالاهای مصرفی و سرمایه‌های سرمایه‌داری، سهم ارزش افزوده داخلی در ارزش تولید نسبت به گذشته کمتر است. با توجه به مشکل ساختاری تقاضای مؤثر، که با دنبال کردن یک ستراتیژی رشد خصوصی مبتنی بر سرمایه‌گذاری همراه است و با نابرابری شدید، خود تحمیل محدودیت‌ها برای هزینه‌های کسری برای اهداف مدنی و تقاضای مصرفی جمعی را کد تشدید می‌شود، اهمیت تولید

کالاهای مصرفی «سرمایه‌داری»، تولید نظامی، انرژی هسته‌ای، برنامه تسلیحات هسته‌ای و صادرات برجسته شده است.

یک مجتمع نظامی-صنعتی داخلی و یک برنامه هسته‌ای، مستلزم خودمختاری نسبی در برابر امپریالیسم امریکا است، اما این خودمختاری با وابستگی فناوری و شکست در توسعه سیستم‌های تولید یکپارچه ملی محدود می‌شود. نظامی‌گری و اجبار به ایجاد یک مجتمع نظامی-صنعتی نه تنها با امتناع از مذاکره با چین در مورد حل اختلافات مرزی طولانی مدت و نقض واقعی قطعنامه کشمیر شورای امنیت در سال ۱۹۴۸ تقویت می‌شود، بلکه با تبدیل شدن به یک شریک ستراتیژیک در پروژه ضد چینی امپریالیسم امریکا نیز تقویت می‌شود.

در هند، یک مجتمع نظامی-صنعتی وابسته وجود دارد، زیرا اگرچه هند یکی از بزرگترین واردکنندگان تسلیحات در جهان است، اما بازار تسلیحات آن هرگز اشباع نشده است. این روند با تأمین مداوم نیروهای مسلح امریکا و نیروهای مسلح متحدان و شرکای ستراتیژیک امریکا با تسلیحات آغاز می‌شود که عمدتاً توسط مجتمع نظامی-صنعتی امریکا تأمین می‌شود، به ویژه مواردی که بر اساس پیشرفت علمی و فناوری استوار هستند و بر توسعه مداوم ابزارهای نابودی متمرکز هستند. تقاضای چین برای تسلیحات در واکنش به خصومت آشکار امریکا افزایش می‌یابد. هنگامی که نیروهای مسلح چین برای دفاع از چین - به ویژه در برابر تهدید نظامی امریکا - با چنین تسلیحاتی تجهیز می‌شوند، تقاضای نیروهای مسلح هند برای چنین تسلیحاتی نیز افزایش می‌یابد که هم از طریق واردات و هم از طریق تولید نظامی داخلی تأمین می‌شود. این امپریالیسم امریکا است که چین و هند را درگیر یک رقابت تسلیحاتی می‌کند و نقش ایالات متحده را به عنوان «شریک دفاعی مهم» هند تثبیت می‌کند.

سرمایه بزرگ هند در تأمین تسلیحات پیشرفت قابل توجهی داشته است، که با حمایت دولت انجام می‌شود که از «سیاست جبران» استفاده می‌کند، به موجب آن تأمین‌کنندگان خارجی تسلیحات باید بخشی از ارزش قرارداد را در محل تهیه کنند تا شرکت‌های خارجی را تشویق کند تا با شرکت‌های بزرگ خصوصی هندی تشکیل دهند. دومی صرفاً شریک کوچکتر تولیدکنندگان تجهیزات خارجی هستند.

طرح مشوق‌های مرتبط با تولید در هند و ابتکار همراه آن «ساخت در هند» (برای هند و جهان) باید در زمینه بین‌المللی به عنوان تلاشی برای بهره‌برداری از جنگ‌های تجاری و فناوری و جنگ سرد جدیدی که امپریالیسم امریکا علیه چین آغاز کرده است، تلقی شود. دولت ایالات متحده، سرمایه چندملیتی امریکا را تحت فشار قرار داده است تا تولید را در زنجیره‌های تأمین جهانی تحت کنترل خود از چین به کشورهایی مانند هند منتقل کند.

شرکت‌های بزرگ هندی به طور فزاینده‌ای به دلالت «نیروی کار انسانی» ارزان قیمت هند تبدیل شده‌اند، با گرایش ساختاری به تکیه سیستماتیک بر واردات فناوری، به ویژه پس از معرفی حقوق مالکیت معنوی قوی‌تر و قوانین حاکم بر آن و سازگاری ساختاری با تقسیم کار بین‌المللی در حال تغییر که توسط مرکز امپریالیستی تعیین می‌شود. اما البته، این شرکت‌ها با استثمار بیش از حد و انتقال مازاد از تولیدکنندگان فرعی، کاهش ارزش و ارزش افزوده‌ای را که به عنوان یک طبقه سرمایه‌دار وابسته متحمل می‌شوند، جبران می‌کنند.

اقتصاد دیجیتال، مدیران ارشد شرکت‌های بزرگ فناوری امریکا را بر آن داشته است تا هند را به عنوان یک «ابر قدرت جهانی فناوری/نرم‌افزار» ستایش کنند. در واقع، این «سیستم نوآوری امپریالیستی سیلیکون ولی» است که ویژگی اصلی آن این است که پیشرفت نوآوری از طریق مدیریت ماهرانه یک تقسیم کار علمی و فنی بین‌المللی نابرابر در تحقیق و توسعه حاصل می‌شود، با سیلیکون ولی به عنوان محور اصلی که پیوندهای تحقیق و توسعه نیمه‌محیطی در

اطراف آن قرار دارند، در حالی که سرمایه‌گذاری‌های ستراتیژیک (از جمله «سرمایه خطرپذیر») و مدیریت مالکیت معنوی کنترل نوآوری‌های حاصل را تضمین می‌کنند.

دانش و کارایی نیروی کار نیمه‌محیطی در زمینه‌های علم، فناوری، مهندسی و ریاضیات (که تنها مقدار مختصری از حقوق هم‌تایان خود در سیلیکون ولی را دریافت می‌کنند)، که در «مراکز توانائی جهانی» و استارت‌آپ‌هایی که بر نوآوری فناوری متمرکز هستند جمع شده‌اند، و همچنین - از طریق برون‌سپاری - در شهرهای هندی مانند بنگلور، حیدرآباد و چنای منابع مهمی برای کسب سود توسط شرکت‌های فناوری امریکائی هستند. پیشرفت فناوری سیلیکون ولی تا حدی به دلیل کار نوآورانه فناوری در هند است که توسط نیروی کار هندی در زمینه‌های علم، فناوری، مهندسی و ریاضیات عمدتاً برای شرکت‌های فناوری امریکائی انجام می‌شود. رابطه نابرابر بین سیلیکون ولی در ایالات متحده و آنچه که به اصطلاح سیلیکون ولی‌های جدید در هند نامیده می‌شود، رابطه بین امپریالیسم و نیمه‌امپریالیسم را منعکس می‌کند.

یکی دیگر از جنبه‌های رابطه نابرابر بین فناوری بزرگ امریکا و سرمایه بزرگ هند، حوزه «استثمار» داده‌های کاربران است که موکش آمبانی، ثروتمندترین فرد هند، آن را «استعمار داده‌ها» نامیده است. آمبانی از مودی خواسته است تا این تصرف توسط شرکت‌های جهانی را متوقف کند. پس از آن که شرکت مخابراتی رلینس جیو (بخشی از کنسرسیوم رلینس اینداستریز) سهم بزرگی از بازار مخابرات را به دست آورد، او به طور فرصت‌طلبانه از نظر مالی (از طریق فروش سهام رلینس جیو) و فناوری با غول‌های فناوری امریکائی مانند فیس‌بوک (متا) و گوگل (آلفابت) همکاری کرد که هر دو در هیأت مدیره رلینس جیو حضور دارند. تجزیه و تحلیل داده‌های کاربر هسته اصلی مدل‌های کسب‌وکار فیس‌بوک و گوگل است. در آن زمان، رلینس جیو در حال حاضر با مایکروسافت، یکی از ارائه‌دهندگان اصلی خدمات ذخیره‌سازی ابری در هند، برای ایجاد مراکز داده در هند همکاری می‌کرد.

اگر اکنون در نظر بگیریم که شرکت‌های بزرگ فناوری امریکائی مانند مایکروسافت، گوگل و فیس‌بوک دسترسی مستقیم دولت امریکا به داده‌های کاربران خود را فراهم می‌کنند و دولت امریکا از منافع تجاری جهانی شرکت‌های بزرگ فناوری امریکائی حمایت می‌کند، آنگاه باید با واقعیت «کمپلکس نظارتی بین دولت و شرکت» روبه‌رو شویم. آیا احتمال دسترسی به داده‌های کاربران توسط اتحاد جاسوسی پنج چشم (متشکل از ایالات متحده، بریتانیا، استرالیا، کانادا و نیوزلند) وجود دارد؟ نشانه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد هند نیز پس از تبادل اطلاعات توسط شرکای پنج چشم در مورد دخالت عاملان مخفی از دهلی نو در یک سوءقصد در کانادا، در رادار پنج چشم قرار دارد. در اینجا احتمال وجود دارد که هند نیمه امپریالیستی در شبکه جهانی نظارت سرمایه‌داری امپریالیسم امریکا گرفتار شود. خلاف حاکمیت دیجیتال چین، هند علی‌رغم استعداد زیاد، به دنبال داشتن شرکت‌های مشابه فیس‌بوک، گوگل یا واتس‌آپ نیست.

[۱۲ سپتامبر ۲۰۲۴](#)